

نقش تلویزیون ایران در پشتیبانی از سیاست خارجی ایران در موضوع هسته‌ای

داود دعاگویان*

چکیده

این تحقیق دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ هدف اول در واقع بررسی ادبیات جایگاه تلویزیون جهانی در سیاست خارجی است که به نظریه CNN معروف است و هدف دوم بررسی نقش تلویزیون ایران در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. بر مبنای تئوری‌های موجود، تلویزیون می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌های تصویری و جلب حمایت افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و نیز پوشش زنده اخبار و اطلاع‌رسانی سریع، نقش حمایتی و کاتالیزور را در چرخه سیاست خارجی بازی کند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلویزیون ایران واقف به نقش خود در چرخه سیاست هسته‌ای است؟ برای پاسخ به این سؤال، محقق با استفاده از روش پیمایشی به جمع‌آوری نقطه‌نظرات اندیشمندان

* دکترای علوم ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی (da.doagooyan@yahoo.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۱۳-۱۸۱.

سیاسی و رسانه‌ای کرده است و نتیجه می‌گیرد که در وضعیت فعلی، اگرچه تلویزیون ایران تلاش‌های گسترده‌ای را در زمینه پوشش اخبار هسته‌ای و جلب حمایت افکار عمومی داخلی از برنامه‌های هسته‌ای انجام داده است و تاحدودی ضمن ارسال پیام‌های سیاسی برای دیگر کشورها، نقش پشتیبانی از سیاست هسته‌ای را ایفا کرده است؛ ولی در مقابل دیگر شبکه‌های جهانی (که از تکنیک‌های بالای تصویری برخوردارند و از دیپلماسی عمومی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایران استفاده می‌کنند) از تمام توانایی‌های خود در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای ایران استفاده نکره است.

واژه‌های کلیدی: تلویزیون، دیپلماسی تلویزیون، سیاست هسته‌ای، پوشش

خبری، نظریه *CNN*.

مقدمه

وسایل ارتباط جمعی با پایان جنگ دوم جهانی، نقشی فعال و گسترده در سیاست خارجی کشورها بر عهده گرفتند. به دلیل مشکلات ایدئولوژی و سیاسی دو جبهه شرق و غرب و تنگناهای کانال‌های ارتباطی و سیاسی در طول جنگ سرد، وسایل ارتباط جمعی به عنوان ابزار ارتباطات سیاسی و انتقال پیام، توانست پشتیبان ایدئولوژی و سیاست خارجی دو ابرقدرت امریکا و شوروی در صحنه بین‌الملل باشد. از این زمان رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون^۱ در سیاست خارجی نقش آفرینی کردند و با ایجاد ارتباط و حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل نقش مهمی را در تعاملات سیاسی و روابط بین بازیگران سیاسی و حل و فصل مخاصمات بین‌المللی بر عهده گرفتند (تیلر، ۱۹۹۷: ۸۳).

ماهیت مسائل سیاسی و هزینه‌های بالای جنگ و خشونت، کشورهای توسعه‌یافته را بر آن داشت که از رسانه‌ها در انتقال پیام‌های سیاسی در زمانی که درهای دیپلماتیک بسته است استفاده کنند و ضمن انتقال سریع پیام‌های سیاسی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه رقیب پشتیبان و هدایت‌گر سیاست خارجی باشند. شواهد تاریخی مؤید آن است که تلویزیون در ارتباطات سیاسی، نقش مهمی دارد و می‌تواند به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی، نقش کاتالیزور و تسهیل‌کننده برنامه‌های سیاسی در محیط بین‌الملل را بر عهده گیرد که به آن «دیپلماسی تلویزیون»^۲، «تله‌دیپلماسی»^۳، «دیپلماسی رسانه‌ای»^۴ نیز می‌گویند.

تلویزیون در عصر اطلاعات و ارتباطات به عنوان عامل میانجی‌گر و پشتیبان

1. Television

2. Tv Television

3. Tele Diplomacy

4. Medial Diplomacy

سیاست خارجی^۱ نقش‌آفرینی می‌کند و از طرف دیگر با برجسته‌سازی برخی اخبار سیاسی و سخن‌پراکنی بین‌المللی، قدرت و توانایی سیاستمداران را در دستیابی به نتایج مطلوب در فرایندهای سیاسی افزایش می‌دهد. با این وجود، نقش تلویزیون در عرصه سیاست خارجی را باید از جنبه‌های مختلف بررسی کرد:

الف. زمانی که بین دو کشور، روابط سیاسی وجود ندارد، تلویزیون می‌تواند به عنوان ابزاری در ارسال پیام‌های سیاسی نقش ایفا کند؛

ب. زمانی که سیاست خارجی در جهت اعمال فشار بر کشور رقیب سعی می‌کند که به‌گونه‌ای موثر، از تلویزیون برای پوشش خبری و تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی بین‌المللی در جهت اعمال فشار بر جامعه رقیب استفاده کند. موارد زیادی در صحنه جهانی وجود دارند و نشان می‌دهند که از تلویزیون در سیاست خارجی استفاده شده است که از جمله آن باید به قضیه /نور سادات و بگین در راستای روابط سیاسی مصر و اسرائیل بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸ اشاره کرد. انور سادات رئیس‌جمهور وقت مصر و مناخین بگین نخست‌وزیر اسرائیل تلاش می‌کردند که به روابط سیاسی مصر و اسرائیل که بعد از مخاصمات دو کشور بعد از جنگ ۱۹۶۷ به سمت وخامت رفته بود، سروسامان دهند، ولی هیچ‌گونه روابط سیاسی و دیپلماتیک میان دو کشور وجود نداشته است؛ بنابراین، ارسال پیام‌های سیاسی بین دو کشور از طریق تلویزیون در زمانی که هیچ‌گونه روابطی با یکدیگر نداشته‌اند، باعث شد که افکار عمومی را برای ملاقات سران طرفین آماده سازد و به تدریج بستر و زمینه روابط سیاسی بین دو کشور افزایش یافت. به‌طور کلی مصداق‌های فراوانی از این دست در صحنه بین‌المللی وجود دارد که نشان می‌دهد تلویزیون امروزه به عنوان ابزاری سیاسی و حتی بازیگری فعال در روابط بین‌المللی در فرایندهای سیاست جهانی نقش‌آفرینی می‌کند. تلویزیون جهانی با ایجاد تغییرات در مذاکرات سیاسی و برچیدن سیاست سکوت و پنهان‌کاری در مذاکرات و حضور خبرنگاران تلویزیونی در هر مسئله‌ای و در هر مرحله‌ای از فرایند مذاکرات سیاسی، ضمن تغییر روح و طبیعت دیپلماسی، نقش کاتالیزور را در اجرای سیاست خارجی و اثرگذاری بر افکار عمومی بازی می‌کند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلویزیون جهانی ایران، نقشی در پشتیبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محوریت موضوع هسته‌ای دارد؟ اساساً تاکتیک‌های تلویزیون ایران در هدایت و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران کدامند؟

آیا تلویزیون ایران در مقابل سایر شبکه‌های جهانی رقیب از توانایی لازم در انعکاس برنامه‌های هسته‌ای و استفاده از دیپلماسی عمومی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی رقیب برخوردار است؟

۱. پیشینه مذاکرات هسته‌ای ایران

فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارای تاریخ پرفرازونشینی است و به اوایل دهه ۵۰ میلادی برمی‌گردد. تئوری هسته‌ای ایران در این زمان بسیار بلندپروازانه بود (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۸۶). ایالات متحده نخستین کشوری است که ایران را به دستیابی به فناوری هسته‌ای ترغیب کرد و این فناوری را به ایران منتقل کرد. اولین گام در این زمینه در ۱۴ اسفند سال ۱۳۳۵ (۵ مارس ۱۹۵۶) برداشته شد و موافقت‌نامه همکاری بین دولت آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی امضا شد. تلاش‌های ایران جهت همکاری‌های هسته‌ای فقط به آمریکا محدود نشد و در سال ۱۳۵۴ موافقت‌نامه‌ای همکاری بین ایران و آلمان و در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴ موافقت‌نامه‌ای با کشور فرانسه در جهت توسعه پژوهش‌های مربوط به مواد رادیواکتیو و تأسیس مراکز تحقیق و توسعه اتمی در ایران و تربیت متخصص ایرانی به امضا رسید. در مورد اینکه چرا دولت جمهوری اسلامی برنامه‌های هسته‌ای خود را متوقف کرد، دلایل زیادی وجود دارد؛ اما مهم‌تر از همه مخالفت دولت اسلامی با هر گونه نفوذ غربی‌ها از جمله دربرنامه‌های هسته‌ای بود و از طرفی دولت به سودمندی نیروی هسته‌ای در آن شرایط اعتقاد نداشت و می‌کوشید منابع را صرف حوزه‌های دیگری کند که بیشتر با آرمان‌های انقلاب اسلامی هم‌خوانی داشتند. با این توصیف، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت که همچنان با عضویت و پایبندی خود به N.P.T^۱، موافقت‌نامه‌های پادمان و

۱. پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای

اساس‌نامه آژانس بین‌المللی انرژی^۱ ادامه دهد.

در پی ارائه عکس‌ها و مدارکی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در ۱۴ اوت ۲۰۰۲ به‌وسیله نمایندگان سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در هتل ویلارد واشنگتن و اقدام شبکه خبری CNN از پخش عکس‌های ماهواره‌ای از تأسیسات نطنز و اراک و وانمود کردن اینکه گویی این دو سایت هسته‌ای برای ساخت سلاح اتمی ایجاد شده است، خبرنگار CNN در ۸۱/۹/۲۲ مصاحبه‌ای با آقای البرادعی دبیرکل وقت آژانس انرژی اتمی سازمان ملل در خصوص این دو سایت انجام داد. وی در این مصاحبه اظهار داشت که آژانس از وجود تأسیسات اطلاع داشته است و پخش تصاویری از CNN برای آژانس خبر جدیدی تلقی نمی‌شود.

در اجلاس ۲۸ خرداد ۱۳۸۲ مدیر کل آژانس طی گزارشی که تسلیم شورای حکام آژانس شد، بیان کرد که ایران در ایفای تعهدات خود طبق موافقت‌نامه پادمانی با آژانس در مورد گزارش مواد هسته‌ای (۱۸۰۰ کیلوگرم اورانیوم طبیعی وارداتی در سال ۱۹۹۱) پردازش بعدی و کاربرد آن مواد و اعلام تأسیساتی که مواد در آنها ذخیره و پردازش شده، قصور ورزیده است. رئیس شورای حکام در جمع‌بندی این جلسه از ایران خواست که سریعاً و بی‌قیدوشرط، پروتکل الحاقی را امضا و اجرا کند. طبق نظر البرادعی، چون ایران آژانس را در جریان کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود در زمینه غنی‌سازی اورانیوم قرار نداده بود، به وظیفه خود عمل نکرد و پنهان‌کاری کرده است و در نتیجه شورای حکام آژانس در ۱۲ سپتامبر برابر شهریور ۱۳۸۲، قطعنامه شدید الحنی مشتمل بر مواد زیر علیه ایران صادر کرد:

۱. توقف فوری و کامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم؛
۲. امضای فوری پروتکل ۲+۹۳؛
۳. اعلام جزئیات کامل برنامه‌های هسته‌ای خود؛
۴. تعیین مهلت (ضرب الاجل) برای حل مسئله، حداکثر تا پایان اکتبر ۲۰۰۳ (پوراحمدی، ۲۹۳).

بعد از این مرحله گفتمان‌های هسته‌ای ایران با آژانس و شورای حکام با در

1. Iaea

نظر داشتن فشارهای بین‌المللی آغاز شد. به‌طورکلی گفت‌وگوها و مذاکرات هسته‌ای ایران با آژانس بین‌المللی هسته‌ای (IAEA) را می‌توان در سه مقطع تاریخی دسته‌بندی کرد:

۱. مقطع اول: گفت‌وگوهای دبیر کل شورای امنیت ملی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)؛

۲. مقطع دوم: گفت‌وگوهای دبیر کل شورای امنیت ملی ایران با نماینده شورا حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)؛

۳. مقطع سوم: گفت‌وگوهای دبیرکل شورای امنیت ملی ایران با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان نماینده گروه ۵+۱ (دعاگویان، ۱۳۸۷).

ایران در تمام گفت‌وگوها ضمن عدم پذیرش هیچ‌گونه پیش‌شرطی در مذاکرات به‌ویژه تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای، سه اصل مسلم در برنامه‌های هسته‌ای خود را مد نظر قرار داده است که عبارتند از:

الف. جلوگیری از ارجاع موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت به عنوان خط قرمز؛

ب. صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای زیر نظر آژانس؛

پ. حق مسلم ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای.

با این وجود، ایران داوطلبانه و آزادانه برای اعتمادسازی در افکار عمومی بین‌المللی، مذاکرات هسته‌ای خود را با آژانس (IAEA) و سه کشور اروپایی آغاز کرد. اگرچه اروپاییان به‌طور نامعقول و غیرمعمولی موضع‌گیری‌های سرسختانه‌ای نسبت به ایران داشته‌اند و خواستار تعلیق غنی‌سازی توسط تهران یا ارجاع پرونده به شورای امنیت بوده‌اند و به گفته کارشناسان، دیپلماسی اروپایی تا آن زمان موفق بود و روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران را کند کرده بود (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۲)؛ ولی دیپلماسی ایران بر مذاکره و ایجاد فضای تفاهمی و اعتمادسازی در جهت جلب افکار عمومی بین‌المللی و جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت بوده است. در این دوره، غرب همواره تلاش می‌کرده است که با جو‌سازی و رسانه‌ای کردن فضای دیپلماسی مذاکرات را در جهت تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران پیش برده و در این فضا با بازی کلمات (مانند کلمات قصور ایران،

شفاف‌سازی، جبران تخلفات، بازی خطرناک، اجرای تعهدات، اعتمادسازی و غیره) در رسانه‌های بین‌المللی، ایران را به انفعال، پاسخ‌گویی و امضای پروتکل الحاقی و انجام بیش از ۱۷۰۰ نفر روز بازرسی از تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای وادار کرد. در نتیجه مذاکرات سیاسی بین ایران و سه کشور اروپایی، سه موافقت‌نامه تهران، بروکسل و پاریس حاصل شد.

به‌طور کلی از نقطه نظر بسیاری از کارشناسان در کلیه موافقت‌نامه‌هایی که بین ایران و سه کشور اروپایی به عنوان عناصر اصلی شورای حکام آژانس صورت گرفته است، شاهد تعهدات صریح، سریع و اجرایی برای ایران و کلی‌گویی و مشروط در مورد تعهدات سه کشور هستیم (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۳۰۸؛ غریب‌آبادی، ۷۹؛ مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

در ادامه ایران تصمیم به ازسرگیری فعالیت UCF اصفهان گرفت. در مقابل طرف‌های اروپایی نیز بلافاصله اجلاس شورای حکام را تشکیل دادند و در ۱۱ اوت ۲۰۰۵ قطعنامه‌ای علیه ایران صادر کردند.

متعاقباً ایران در پاسخ بسته پیشنهادی جدید اروپا (۶ ژوئن ۲۰۰۶) در قالب پیشنهاد تجدیدنظرشده به ایران، ضمن برشماری سؤالات و ابهامات فراوان در پیشنهادها و رفتار دوگانه سه کشور اروپایی و حسن نیت ایران در ارائه مسیر معقول و بسترسازی حل و فصل مسائل دوجانبه، مخالفت خود را با این بسته اعلام و بیان داشته است که ایران مشی دیگری را دنبال خواهد کرد. در نهایت در پی پاسخ منفی ایران به بسته پیشنهادی ۶ ژوئن ۲۰۰۶ قطعنامه‌های ضدایرانی ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسیدند.

۲. ادبیات تحقیق

۲-۱. دیپلماسی تلویزیون

تلویزیون از همان آغاز پیدایش در طالع خود، صورت یکی از بزرگ‌ترین نیروهای فعال قرن بیستم را نقش زده بود و اکنون پرنفوذترین پدیده فرهنگی زمان حاضر به شمار می‌رود (اسمیت و ریچارد، ۱۳۸۱: ۱). تلویزیون با ترکیب صدا و تصویر در واقع تابلویی از تصاویر ترکیبی و تکوینی روزنامه، کلاس‌های آموزشی،

تئاتر، سینما و تبلیغات را به وجود آورده است و بیننده را چنان میخکوب می‌کند که می‌تواند اخبار و اطلاعات خود را به صورت توالی و با اولویت پخش به او ارائه دهد.

تلویزیون به عنوان یک سلاح ایدئولوژیک دارای خصوصیتی است که آن را از سایر رسانه‌ها متمایز می‌سازد. این خصوصیات عبارتند از:

۱. تلویزیون هم‌زمان دو حس بینایی و شنوایی را متأثر می‌کند و همین ویژگی آن را در جایگاهی برتر از رادیو و مطبوعات می‌نشانند؛
۲. تلویزیون قادر است اخبار داغ را با سرعت نور به اطلاع بینندگان برساند؛
۳. یک برنامه تلویزیونی برای رسیدن به نظر مخاطب خود نیازی به «واسطه» ندارد؛

۴. تلویزیون تعداد کثیری از مردم را پوشش می‌دهد؛

۵. تلویزیون به علت ارتباط مستقیم و فوری با بیننده و نشان دادن رویدادهای به هنگام وقوع، رسانه‌ای است که نمی‌توان برای آن رقیبی برشمرد (بیریوکف، ۱۳۷۲: ۱۳).

با این وجود، دیپلماسی تلویزیون بیانگر نقش تلویزیون در سیاست خارجی است. به اعتقاد کوهن^۱ دیپلماسی تلویزیون، نوعی دیپلماسی رسانه‌ای^۲ است و بیانگر نفوذ رسانه بر سیاستمداران و افکار عمومی در جهت تأثیرگذاری بر تصمیمات مهم سیاسی است. اساساً کوهن رسانه‌ها را به عنوان عنصری مشاهده‌کننده و کاتالیزور در فرایند سیاست خارجی در نظر می‌گیرد (کوهن، ۱۹۶۳: ۵-۶).

کاربردهای تلویزیون در حل و فصل مسائل دیپلماتیک و سیاست خارجی موجب گشته است که اصطلاحات «دیپلماسی تلویزیون»، «تله‌دیپلماسی» یا «دیپلماسی ماهواره» جزء مفاهیم اصلی ارتباطات سیاسی اطلاق شود. در واقع تله دیپلماسی را باید هنر ایجاد ارتباط میان کشورها، حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل و اقناع جوامع دیگر از طریق رسانه‌های جهانی دانست که در این میان

1. Cohen

2. Media Diplomacy

تلویزیون جهانی (کوهن، ۱۹۶۳؛ لارسون، ۱۹۹۸) نقش مهمی را در تعاملات سیاسی، روابط بین بازیگران سیاسی و حل و فصل مخاصمات بین‌المللی بر عهده دارد (لوینگستون، ۲۰۰۳؛ هارمون، ۱۹۹۹؛ تیلر، ۱۹۹۷).

امروزه دیپلماسی تلویزیون ابزاری مهم در پشتیبانی، هدایت و روان‌سازی سیاست خارجی (گیلبوا، ۲۰۰۲، ص ۷۴۱) و نیز کانال تأثیرگذاری بر مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی (لاو، ۲۰۰۵: ۲۶۱) و مجرای تعاملی بین دیپلمات‌ها برای بهبود مذاکرات و گفت‌وگوهای سیاسی شناخته می‌شود (لارسن، ۱۹۸۸: ۵-۶).

در دیپلماسی نوین، تلویزیون در خدمت دیپلماسی است و با گسترش شبکه‌های ارتباطی، تبلیغات و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و انتقال پیام‌های سیاسی در زمان‌هایی که بین طرفین روابط سیاسی وجود ندارد، به نقش آفرینی مشغول است؛ زیرا پوشش فوری اخبار تلویزیونی در مورد پدیده‌های سیاسی، قادر است اجبارهایی را در فرایند سیاست خارجی، به وجود آورد و این اساساً به علت سرعت بالای پخش تلویزیونی و انتقال اطلاعات است. سرعت انتقال پیام‌های سیاسی و آگاهی افکار عمومی از مذاکرات پشت پرده دیپلمات‌ها موجب شده است که تلویزیون به عنوان دیپلماتی نوین وارد عرصه سیاست خارجی شود (لارسن، ۱۲).

۲-۲. نظریه CNN

به‌طور کلی منظور از نظریه CNN تأثیر تلویزیون در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل کشورها است (کوهن، ۱۹۶۵: ۱۹۶؛ نیومن، ۱۹۹۶: ۱۵؛ اوفرمان، ۱۹۹۷: ۷۵؛ لاو، ۲۰۰۵: ۲۰۴؛ ناوه، ۲۰۰۳؛ دایان و کاتز، ۱۹۹۲؛ لوینگستون، ۲۰۰۳: ۳؛ گیلبوا، ۲۰۰۲). تأثیر تلویزیون در سیاست خارجی را باید در فناوری این رسانه و نحوه مدیریت پوشش اخبار سیاسی بررسی کرد. به اعتقاد گیلبوا، پوشش خبری که تلویزیون در رویدادهای سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد، سیاستمداران را بر آن می‌دارد که نسبت به آن رویداد عکس‌العمل نشان دهند. از طرف دیگر تعامل تلویزیون و سیاستمداران موجب شده است که تلویزیون به عنوان بازیگری جدید

در فرایند عملیات روانی حضور داشته باشد و نقشی مهم در مهندسی افکار عمومی در ضدیت با نظام حاکمیت کشور هدف ایفا کند.

گیلبوا با بررسی پنج ویژگی پوشش خبری تلویزیون جهانی یعنی سخن‌پراکنی بیست و چهار ساعته، پخش لحظه‌به‌لحظه اخبار، پوشش خبری در سراسر جهان، سلطه خبری بالا، زنده بودن اخبار جهانی (گیلبوا، ۲۰۰۲: ۶). اخبار تلویزیون را عاملی در جهت رهبری مسائل بین‌المللی می‌داند.

کوهن اعتقاد دارد که «مطبوعات تنها صدای مهم در زمینه سیاست خارجی است، از قبیل اطلاع‌دهنده، تفسیرکننده، حمایت‌کننده و منتقد». او همچنین بر این نظر است که رسانه‌ها «یک لینک ادامه‌دهنده و منقطع مقامات رسمی سیاست خارجی در حکومت و مردمی در سوی دیگر پیگیر رویدادهای خارجی ارائه می‌دهند (کوهن، ۱۹۶۵: ۱۹۴). نیومن محدوده تأثیر CNN را با قراردادن اثر پوشش خبری تلویزیون بر تصمیم‌گیری‌های اولیه سیاستمداران تا مراحل بعدی تصمیم‌گیری‌ها، یعنی رزم‌آرایی‌ها و مداخلات نظامی کوتاه‌مدت و بلندمدت و همه‌راهکارها بسط می‌دهد. وی با اشاره به منحنی تأثیر CNN، به نقش تلویزیون در وادار کردن سیاستمداران به توجه به بحران‌های سیاسی و پاسخ‌گویی به افکار عمومی توجه دارد. همچنین وی معتقد است که پوشش خبری بحران، با اجبار رهبران سیاسی برای تغییر وضعیت یا خطر کردن توأم با بدنامی، یک فریاد احساسی را از جانب مردم برای «انجام کاری» در مورد رویداد اخیر بر می‌انگیزاند (نیومن، ۱۹۹۶: ۱۶-۱۵). مک لوهان نیز تأثیر تلویزیون در مخاطبان را ناشی از فناوری این رسانه می‌داند. مک لوهان به نقل از *تراک پار و ادیت فرون* خاطر نشان می‌سازد که تلویزیون با دستکاری صدا و تصویر و سانسور برنامه‌های سیاسی محبوبیت سیاستمداران را در جامعه افزایش می‌دهند (مک لوهان، ۳۶۴). تلویزیون می‌تواند واقعه‌ای را که باید گزارش کند، کاملاً تغییر دهد یا آن را خلق کند (تیرل، ۱۳۷۱: ۲۲).

با این وجود در کنار فناوری تلویزیون، باید به قدرت متقاعدسازی تلویزیون اشاره کرد. در سال‌های اخیر سیاستمداران قدرت تلویزیون را جایگزین قدرت استدلال‌های خود، پیرامون رخدادهای سیاسی بین‌المللی کرده‌اند و از توانمندی این

رسانه برای تأثیرگذاری بر مذاکرات سیاسی و روند دیپلماسی استفاده کرده‌اند. امروزه از تلویزیون به عنوان «خدای افکار عمومی» یاد می‌شود. از قدرت تلویزیون در جهت تغییر قضاوت‌های افکار عمومی استفاده می‌شود. تلویزیون می‌تواند مخاطبان را به جهتی حرکت دهد که خواستار آن است و البته همسو با سیاست خارجی است. مدیران شبکه‌های تلویزیونی جهانی، تلاش می‌کنند که با تغییرات سیاسی و فناوری پخش برنامه‌های تلویزیونی همراه باشند و با توسعه ساختار نرم‌افزاری و سخت‌افزاری شبکه، گوی سبقت را از رقبا در جهت جلب افکار عمومی بین‌المللی برابند (شانکلمن، ۱۳۸۷: ۲۸۸). در پارادایم فرهنگی و سازمانی شبکه‌های جهانی CNN و BBC خبر در قلب این رسانه‌ها است و در واقع خود این شبکه‌ها رسانه تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر این شبکه‌های بین‌المللی فقط پیام را ارسال نمی‌کنند، بلکه خبر در ذات آنها است و مردم خبر را طوری درک می‌کنند که شبکه‌ها خواستار آن هستند؛ برای مثال در پارادایم فرهنگی CNN آمده است:

□ خبر در قلب CNN است. CNN خود خبر است؛

□ خبر ما، در سیر تاریخ جهان اثر دارد؛

□ خبر ما، دنیا را به دنیا پیوند می‌دهد؛

□ خبر ما منحصربه‌فرد است؛

□ یک محصول جهانی برای بازار جهانی؛

□ ما خبر را دوباره اختراع می‌کنیم (شانکلمن، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

در کنار قدرت فناوری، پوشش خبری سریع، پخش لحظه‌به‌لحظه و مدیریت اخبار تلویزیون باید به قدرت تصویرسازی تلویزیون از جهان بیرونی اشاره کرد که یکی از شیوه‌های عملی تأثیرگذاری تلویزیون در امور سیاست خارجی است. تلویزیون ابزاری است که تماشاگران را در روابط با نظام سیاسی و ایدئولوژیک قرار می‌دهد. در دهه ۸۰ میلادی هالیوود با به راه‌اندازی بحث تروریسم در فرهنگ جهانی، گرایش به سمت برجسته‌سازی خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای آشفته، تروریسم پرور و عجیب و غریب، بستر مناسبی برای فیلم‌های ماجراجویانه هالیوودی در جهت ضرورت حضور قدرتمندانه امریکا برای مبارزه با تروریسم و ایجاد صلح و آرامش در این منطقه و سایر نقاط جهان فراهم ساخت (سمتی، ۱۰۵-۱۰۲)؛

□ تلویزیون‌های جهانی CNN و BBC با قدرت برجسته‌سازی، قدرت تنظیم مجدد خبر، قدرت تصویرپردازی، قدرت نفوذ بر مخاطب و پوشش خبری جهانی همواره تلاش می‌کنند با به‌راه‌اندازی اخبار سیاسی و فرهنگی از یک منطقه جهانی و ارائه تصویر ضدانسانی، افکار عمومی را در جهت موضع‌گیری از آن منطقه آماده سازد. اصولاً قدرت تصویرسازی تلویزیون به چند عامل بر می‌گردد که عبارتند از: *اوفرانان* به عنوان نظریه‌پرداز دیپلماسی رسانه‌ای خاطر نشان می‌کند که تلویزیون سه تأثیر عمده در سیاست خارجی دارد که عبارتند از:

الف. تلویزیون جهانی، بازیگران سیاسی در عرصه پدیده‌های سیاسی بین‌المللی را افزایش می‌دهد؛

ب. تلویزیون جهانی جریان سیاست خارجی را در جهان شتاب می‌دهد؛
ج. تلویزیون جهانی نقش برجسته‌سازی پدیده‌های سیاسی جهانی را در جهان بازی می‌کند. به اعتقاد *اوفرانان* تلویزیون جهانی، نقشی بانفوذ در چرخه سیاست خارجی و کاهش زمان تصمیم‌گیری‌های سیاسی سیاستمداران دارد (*اوفرانان*، ۱۹۹۷: ۷۵).

مطالعات دیگر *اوفرانان* نشان می‌دهد که امروزه رسانه‌ها نقش‌های متفاوتی در شکل‌دهی به واقعیت سیاست خارجی یک کشور دارند، از جمله:

۱. به عنوان یک منبع اطلاعاتی سریع و مفید برای تصمیمات سیاسی عمل می‌کنند؛
۲. به عنوان یک برجسته‌کننده بر اولویت‌های هر کشور و ملل دیگر تأثیر می‌گذارند؛
۳. به عنوان وکیل و نماینده دیپلمات‌ها عمل می‌کنند؛
۴. به عنوان نظام نمادی و نشانه‌گذار دیپلماتیک با تأثیرگذاری سیاسی عمل می‌کنند.

تلویزیون همچنین نقش‌های دیپلماتیک متفاوتی را از طریق ایجاد پل‌های فضایی و مذاکرات روی امواج که به آن دیپلماسی تلویزیونی گفته می‌شود، باز می‌کند (*اوفرانان*، ۲۰۰۵: ۳۷).

لویگستون نیز با تدوین یک مدل نظری که برگرفته از تأثیر رسانه‌ها بر

سیاست خارجی است، تلاش می‌کند تأثیر CNN را بر جریان دیپلماسی و سیاست خارجی بررسی کند.

وی دو عامل کلیدی را در شکل‌گیری و تدوین نظریه CNN مؤثر می‌داند: یکی از آنها پایان جنگ سرد و عامل دوم نقش فناوری ارتباطات و اطلاعات در سرعت بخشیدن در ارسال پیام‌های سیاسی است. پیشرفت‌های فناوری ارتباطات ظرفیتی را ایجاد کرده است که برنامه‌ها به صورت زنده از هر نقطه کره زمین پخش شود. در نتیجه، خلاء به‌جامانده از پایان جنگ سرد با سیاست خارجی مدیریت بحران تعیین شده توسط رسانه‌ها پر شده است (لوینگستون، ۲۰۰۳: ۳).

مدل تأثیر تلویزیون (CNN) بر سیاست خارجی لوینگستون مدلی است که به عامل CNN یا منحنی CNN مشهور است و می‌توان تحت سه عنوان مطرح کرد:

۱. به عنوان عامل برجسته‌سازی سیاست خارجی؛
۲. به عنوان عامل بازدارنده بر سر راه دستیابی به اهداف سیاسی مطلوب؛
۳. به عنوان تسریع‌کننده در تصمیم‌گیری سیاسی.

جدول شماره ۱. گوناگونی مفهومی اثر CNN لوینگستون ۱۹۹۷

عامل	کارکرد
تسریع‌کننده	رسانه مدت زمان تصمیم‌گیری در واکنش به یک مسئله را کوتاه می‌کند. دیپلماسی تلویزیون شاهد این مدعا است. در طول دوران جنگ، تلویزیون زنده و جهانی، خطرهای بالقوه امنیتی - اطلاعاتی را عرضه می‌کند، اما رسانه در عین حال ممکن است افزایش دهنده نیرو باشد، روش فرستادن سیگنال (علائم).
مانع	دو نوع: ۱. پوشش هیجانی هولناک ممکن است سبب تضعیف روحیه شود. دولت تلاش می‌کند تا جنگ را پاکیزه کند (تأکید بر جنگ در بازی‌های ویدئویی). دسترسی به میدان نبرد را محدود کند. ۲. رسانه‌های فراگیر و فوری، تهدیدی برای امنیت عملی به وجود می‌آورند.
برجسته‌سازی	پوشش هیجانی و جذاب فجایع یا بحران‌های انسانی ترتیب اولویت‌های سیاست خارجی را به هم می‌زند. سومالی، بوسنی و هائیتی را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد.

ایتان گیلپوا یکی دیگر از متفکرانی است که بیشتر در صدد اصلاح نظریه‌های دیپلماسی تلویزیون و طراحی یک نظام نظری در راستای نقش جهانی تلویزیون در سیاست خارجی است. در مدل نظری او، دیپلماسی تلویزیون رابطه تنگاتنگی با دیپلماسی عمومی دارد و تلاش می‌کند نقش ابزاری تلویزیون را در تبلیغات بین‌المللی و جنگ نرم در عرصه ارتباطات بین‌المللی برجسته کند. مدل تأثیر CNN گیلپوا را می‌توان مدل کاربردی تأثیر سی. ان. ان در سیاست خارجی به ویژه در

بحران‌های سیاسی دانست. از نظر او تأثیر سی. ان. ان در سیاست خارجی هنگامی از کاربردهای وسیع برخوردار است که زمان موجود برای سیاست‌گذاری کم باشد و نیاز به پاسخ‌دهی سریع و بلافاصله به بحران‌ها و رویدادها ایجاب کند که با ساده‌سازی و دستکاری‌های سیاسی از طریق پخش برنامه‌های تلویزیونی، قضاوت‌های فوری و سریع در خصوص یک برنامه صورت گیرد (گیلبوا، ۲۰۰۲). از نظر گیلبوا تلویزیون جهانی با برجسته کردن و جذاب کردن تصویر برخی از واقعیت‌ها و سخن‌پراکنی بین‌المللی، قدرت و توانایی دست یافتن به نتایج مطلوب را برای سیاستمداران چنان افزایش می‌دهد که ضمن افزایش قدرت چانه‌زنی آنها در صحنه بین‌المللی، به طور فزاینده‌ای قدرت نظامی و اقتصادی آنها را نیز تکمیل می‌کند.

۳. چهارچوب نظری تحقیق

به نظر می‌رسد که ماهیت نظریه‌های تلویزیون و سیاست خارجی عاری از نظامی مفهومی و الگوی منسجم علمی است و ضمن مقهور شدن، مبهوت شدن و درگیر شدن ذهن اندیشمندان در مسائل پیچیده سیاست خارجی، تاکنون نتوانسته‌اند تبیین درستی از نقش تلویزیون در سیاست خارجی ارائه دهند. این مهم از آنجا نشئت گرفته است که سیاست خارجی به دنبال حل و فصل مسائل سیاسی از طریق مذاکرات سیاسی و دیپلماسی و استفاده از قدرت و سرعت انتقال پیام از طریق تلویزیون برای آماده‌سازی افکار عمومی و هدایت سیاست خارجی بوده است. تلویزیون از یک طرف هم می‌تواند بر افکار عمومی جهان در پذیرش اقدامات سیاسی و فرهنگی مؤثر باشد و هم اینکه به عنوان ابزاری سیاسی در دست کارگزاران سیاست خارجی نقش کاتالیزور و هدایتی را بر عهده گیرد. بر این اساس مدل تحقیق در واقع نسخه‌ای ترکیبی از مدل‌ها در دو بخش مدیریت خبر و دیپلماسی تلویزیون از نوع هسته‌ای آن برای تلویزیون جهانی ایران است. به اعتقاد نگارنده، هریک از الگوهای ارائه‌شده به تنهایی نمی‌تواند به عنوان چهارچوب نظری نقش تلویزیون جهانی ایران در سیاست هسته‌ای شمرده شود؛ زیرا موضوع هسته‌ای ایران دارای قالب‌های موضوعی فراوانی است که دربردارنده مفاهیم افکار عمومی

داخلی و بین‌المللی، سیاست خارجی در بحران، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، مدیریت اخبار و تصویرسازی از فعالیت‌های هسته‌ای و در نهایت نقش تلویزیون در پوشش خبری اخبار هسته‌ای است؛ بنابراین به دلیل نقش برجسته‌سازی و بازدارندگی و عامل فشار تلویزیون جهانی باید از آن در روان‌سازی و پشتیبانی از سیاست هسته‌ای ایران استفاده شود. همچنین با توجه به نقش مهم حضور تلویزیون جهانی در بحران‌های سیاسی و کمک باید از آن در حل و فصل بحران‌های هسته‌ای ایران استفاده کرد. از طرف دیگر بر مبنای مدل تحقیق تلویزیون می‌تواند به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی جامعه هدف استفاده شود. در نهایت می‌توان از تلویزیون به عنوان یک بازیگر جدید در تصمیم‌گیری‌های سیاسی استفاده کرد. اگرچه مفاهیم به‌کاررفته در مدل بالا تحت تأثیر نظریه برجسته‌سازی، نظریه کاشت و نظریه قالب‌بندی در علوم ارتباطات و ارتباطات سیاسی و ارتباطات جهانی بوده‌اند؛ ولی نویسنده با علم به این موضوع تلاش کرده است که از ساختار تبیینی این نظریه‌ها در قالب تئوری تأثیر CNN و نقش تلویزیون جهانی ایران در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای ایران استفاده کند.

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. بین ارسال پیام‌های سیاسی تلویزیون و هدایت و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛
۲. بین تحلیل تلویزیون از ورود بازیگران جدید به صحنه مذاکرات هسته‌ای و هدایت و پشتیبانی هسته‌ای ایران تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛
۳. بین نفوذ تلویزیون بر سیاستمداران و هدایت و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران رابطه وجود دارد؛
۴. بین پوشش زنده اخبار هسته‌ای تلویزیون و هدایت و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران رابطه وجود دارد؛
۵. بین سرعت انتقال اخبار سیاسی تلویزیون و هدایت و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران رابطه وجود دارد؛
۶. بین تصویرسازی تلویزیون از برنامه‌های هسته‌ای و هدایت و پشتیبانی

سیاست هسته‌ای ایران رابطه وجود دارد.

۵. روش تحقیق

با توجه به ماهیت سؤالات و فرضیه‌های تحقیق که باید از نظرات کارشناسان سیاست خارجی و رسانه‌ای استفاده کرد، روش تحقیق حاضر، روش پیمایشی می‌شود. همچنین جامعه آماری این تحقیق کارشناسان بخش سیاسی تلویزیون، مدیران و کارشناسان ارتباطات سیاسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، شورای تشخیص مصلحت نظام، شورای امنیت ملی، کارشناسان و اساتید علوم سیاسی و علوم ارتباطات، کارشناسان بخش رسانه‌ای سازمان انرژی اتمی ایران هستند که به‌نوعی در موضوع تلویزیون و سیاست خارجی صاحب‌نظر هستند؛ بنابراین محاسبه حجم نمونه با استفاده از معادله کوکران انجام گرفت که در نهایت تعداد ۲۰۱ نفر محاسبه شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش احتمالی (به‌منظور تعمیم نتایج تحقیق به کل جامعه آماری) با تکنیک طبقه‌ای نسبی استفاده شده است. علت انتخاب این تکنیک به ساختار جامعه آماری برمی‌گردد که از طبقات مختلف کارشناسی تشکیل شده است؛ از این رو باید سهم هر طبقه به صورت احتمالی برآورد شود. با این وجود برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد که قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها، اعتبار و پایایی آن محاسبه شد. میزان آلفای کل پرسش‌نامه $(\alpha=0/934)$ و شاخص‌های دوازده‌گانه $(\alpha=0/803)$ نشان می‌دهد که پایایی پرسش‌نامه در حد بسیار بالایی است.

۶. یافته‌های تحقیق

به‌طورکلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر کارشناسان، میزان پوشش خبری برنامه‌ها و سیاست‌های هسته‌ای ایران در تلویزیون ایران غیر از سرعت انتقال اخبار و افزایش آگاهی عمومی از برنامه هسته‌ای ایران خوب بوده است. با توجه به اینکه پوشش خبری تلویزیون دربردارنده ویژگی برجسته‌سازی تلویزیون است، می‌توان گفت تلویزیون ایران در برجسته کردن اخبار هسته‌ای موفق بوده است. همچنین ۳۹/۳ درصد از اندیشمندان، کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای بیان

داشتند که میزان موفقیت تلویزیون در بسترسازی واکنش و داوری افکار عمومی در مورد عملکرد سیاستمداران نسبت به موضوع هسته‌ای را زیاد و خیلی زیاد و ۳۲/۳ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

نتایج جدول نشان می‌دهد که ۳۳/۸ درصد از اندیشمندان، کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای بیان داشتند که میزان موفقیت تلویزیون ایران در پیوند افکار عمومی و سیاستمداران نسبت به توجه به حقوق هسته‌ای ایران را کم و خیلی کم و ۳۲/۸ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

میزان موفقیت تلویزیون ایران در شتاب بخشیدن به فرایند مذاکرات هسته‌ای ایران با دیگر کشورهای مذاکره‌کننده را کم و خیلی کم و ۳۴/۸ درصد از پاسخ‌گویان این میزان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

بر اساس نظر کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای، میزان موفقیت تلویزیون ایران در بازدارندگی سیاستمداران هسته‌ای و جلوگیری از تصمیماتی که خطرات امنیتی را در موضوع هسته‌ای به وجود می‌آورند، کم و خیلی کم و ۲۴/۹ درصد نیز این میزان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در رابطه با نقش تلویزیون در ورود سازمان‌های مدنی داخلی، ورود سازمان‌های بین‌المللی و ورود سایر کشورها به منظور حل و فصل مسائل دوجانبه ایران و آژانس یا شورای امنیت در موضوع هسته‌ای را کم و خیلی کم و ۳۲/۸ درصد نیز این میزان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

از طرف دیگر نقش تلویزیون ایران را در تصویرسازی صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۳۵/۸ درصد از کارشناسان رسانه‌ای و هسته‌ای، میزان موفقیت تلویزیون ایران در پشتیبانی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را از طریق تولید فیلم و برنامه‌های مستند کم و خیلی کم و ۳۵/۸ درصد نیز این میزان را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. در نهایت ۳۵/۸ درصد از اندیشمندان، کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای بیان داشتند که میزان موفقیت تلویزیون ایران را در پاسخ‌گویی به تصویرسازی منفی کشورهای بی‌که با تولید فیلم و برنامه‌های مستند غیرواقعی سعی در غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای دارند، کم و خیلی کم و ۲۸/۹ درصد نیز این میزان را در حد متوسط

ارزیابی کرده‌اند.

همچنین ۴۶ درصد از پاسخ‌گویان میزان موفقیت تلویزیون در انعکاس نظرات افکار عمومی داخلی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و ۲۹/۹ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

بیش از ۴۷/۲ درصد از پاسخ‌گویان میزان موفقیت تلویزیون در تقویت گرایش افکار عمومی داخلی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند و ۲۲/۴ درصد نیز این مسئله را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

جدول شماره ۲. فراوانی هریک از شاخص‌های مربوط به نقش تلویزیون در هدایت و پشتیبانی سیاست

هسته‌ای ایران

شاخص	سؤال	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
پوشش خبری (اطلاع‌رسانی) و برجسته‌سازی اخبار هسته‌ای توسط تلویزیون	میزان پوشش خبری در انعکاس اهمیت اخبار هسته‌ای به مردم	۸۴	۵۵	۳۷	۱۸	۶
	میزان زمان اختصاص‌یافته به برنامه‌ها، اخبار و مطالب هسته‌ای در تلویزیون	۴۰	۶۱	۷۱	۲۲	۶
	مدت اختصاص‌یافته به اخبار هسته‌ای	۲۷	۷۴	۶۱	۲۳	۱۴
	میزان تطابق هم‌زمانی پوشش اخبار هسته‌ای با رویدادهای داخلی و خارجی	۳۱	۷۴	۵۵	۲۶	۱۴
	میزان سرعت انتقال اخبار هسته‌ای برای مخاطبان	۸	۳۹	۶۴	۵۹	۳۰
	میزان پوشش خبری سیاست‌های هسته‌ای ایران در سطح بین‌المللی	۲۴	۶۴	۵۳	۳۲	۲۳
	میزان پوشش خبری تلویزیون در جلب توجه مردم ایران به اخبار هسته‌ای	۴۲	۷۲	۵۱	۲۲	۱۱
	میزان پوشش خبری تلویزیون در افزایش آگاهی مردم از فعالیت‌های هسته‌ای	۱۶	۵۹	۶۸	۳۶	۲۰
نفوذ بر سیاستمداران	نقش تلویزیون در تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاستمداران هسته‌ای ایران	۱۳	۵۶	۶۸	۳۸	۲۳
	نقش تلویزیون در تأثیرگذاری افکار عمومی بر تصمیمات سیاستمداران هسته‌ای	۱۲	۳۸	۵۷	۴۶	۴۳

شاخص	سؤال	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
جلب افکار عمومی توسط تلویزیون	موفقیت تلویزیون در افزایش توجه افکار عمومی به موضوعات هسته‌ای ایران	۳۳	۷۷	۶۵	۱۶	۸
	موفقیت تلویزیون در افزایش آگاهی‌های عمومی به موضوع هسته‌ای	۱۷	۶۳	۷۴	۳۱	۱۵
	موفقیت تلویزیون در واکنش و داوری افکار عمومی به عملکرد سیاستمداران هسته‌ای	۱۶	۶۳	۶۵	۳۶	۱۷
	موفقیت تلویزیون در ایجاد احساس وطن‌پرستی مردم به قطعنامه‌های شورای امنیت.	۲۲	۶۸	۵۲	۳۳	۲۴
تکیک‌های پوشش خبری تلویزیون	میزان سرعت عمل تلویزیون در انعکاس آنی و به طور هم‌زمان اخبار هسته‌ای.	۱۳	۵۴	۶۱	۴۳	۲۸
	موفقیت تلویزیون در قراردادن اخبار هسته‌ای ایران در سرخط رویدادهای خبری.	۵۰	۶۷	۵۴	۱۹	۱۰
	میزان توجه تلویزیون ایران به اخبار هسته‌ای رویداد محور و بحرانی.	۲۴	۶۹	۷۰	۲۲	۱۴
	موفقیت تلویزیون در کاهش مدت زمان پاسخ‌گویی سیاستمداران به پیام‌های سیاسی سایر کشورها.	۳	۲۵	۷۲	۴۸	۴۲
ارسال پیام و شتاب‌دهی به سرخه سیاست هسته‌ای	موفقیت تلویزیون در شتاب بخشیدن به فرایند مذاکرات هسته‌ای ایران.	۴	۳۴	۷۰	۵۳	۳۳
	موفقیت تلویزیون ایران به عنوان کانال ارسال پیام‌های هسته‌ای به کشورهایی که با ایران روابط دیپلماتیک ندارند.	۸	۲۹	۶۲	۵۴	۳۷
قدرت بازدارندگی اخبار هسته‌ای توسط تلویزیون	موفقیت پوشش خبری تلویزیون در بازدارندگی سیاستمداران در تصمیمات هسته‌ای.	۱۳	۴۰	۷۰	۴۲	۲۵
	موفقیت تلویزیون ایران در بازدارندگی سیاستمداران هسته‌ای از تصمیماتی که خطرات امنیتی را در موضوع هسته‌ای به وجود می‌آورد.	۶	۴۱	۵۰	۴۹	۴۲
نقش تلویزیون در ورود بازدارندگی جدید	موفقیت تلویزیون در پشتیبانی از ورود سازمان‌های مدنی داخلی به منظور حل و فصل مسائل دوجانبه ایران و آژانس یا شورای امنیت.	۳	۳۰	۶۶	۴۶	۴۶
	موفقیت تلویزیون در حمایت و پشتیبانی از ورود سازمان‌های بین‌المللی به منظور حل و فصل مسائل دوجانبه ایران و آژانس یا شورای امنیت.	۵	۳۰	۶۰	۴۴	۵۳

شاخص	سؤال	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
	موفقیت تلویزیون در حمایت و پشتیبانی از ورود سایر کشورها به منظور حل و فصل مسائل دوجانبه ایران و آژانس یا شورای امنیت.	۵	۲۷	۶۶	۵۳	۴۲
نوع تصویرسازی تلویزیون از برنامه‌های هسته‌ای	موفقیت تلویزیون در تصویرسازی صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در جهت متقاعدسازی افکار عمومی.	۲۹	۴۵	۶۳	۳۱	۲۶
	موفقیت تلویزیون در پشتیبانی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از طریق تولید فیلم و برنامه‌های مستند.	۲۰	۳۲	۷۲	۳۷	۳۶
	موفقیت تلویزیون در پاسخ‌گویی به تصویرسازی منفی کشورهایی که با تولید فیلم و برنامه‌های مستند غیرواقعی، سعی در غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای دارند.	۲۳	۴۴	۵۸	۳۱	۴۱
تلویزیون و متقاعدسازی افکار عمومی	افکار عمومی را منعکس می‌کند.	۲۳	۵۰	۶۰	۲۶	۳۳
	افکار عمومی را تقویت می‌کند.	۳۴	۶۱	۴۵	۳۰	۲۲
	افکار عمومی را متقاعد می‌کند.	۲۱	۳۱	۵۰	۵۱	۳۶

۷. تحلیل اطلاعات (آزمون فرضیه‌ها)

به‌طور کلی تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها در دو بخش تحلیل‌های دو متغیره و چندمتغیره ارائه می‌شود.

۷-۱. تحلیل دو متغیره

در بخش تحلیل‌های دو متغیره با استفاده از آزمون «کای اسکویر»، چگونگی رابطه تغییرات متغیرهای مستقل (شاخص‌ها) و تغییرات متغیر وابسته (یعنی نقش هدایتی و پشتیبانی تلویزیون در سیاست هسته‌ای ایران) و آزمون «تای کندال» جهت آنها را نشان می‌دهد (جدول شماره ۲). نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که رابطه

معناداری میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد و کلیه آزمون‌های آماری کای اسکویر و آزمون تای کندال در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. می‌توان گفت چنانچه تلویزیون بتواند با پوشش زنده اخبار هسته‌ای و بهره‌گیری از تکنیک‌های خبری مناسب صوتی و تصویری، تصویرسازی مناسبی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را در سطح ملی و بین‌المللی ارائه دهد و همچنین بتواند با برنامه‌های مناسب و هدایتگر بازیگران جدید را به صحنه مذاکرات هسته‌ای اعم از مردم، خبرنگاران، سازمان‌های بین‌المللی و سایر کشورها را به میز مذاکرات هسته‌ای ایران بکشد و مذاکرات را از انحصار گروه ۵+۱ خارج کند و جنبه‌های هدایتی و پشتیبانی‌کننده خود را از برنامه‌های هسته‌ای و تصمیمات سیاستمداران هسته‌ای ایران افزایش دهد.

جدول شماره ۳. بررسی نحوه تغییرات و رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

نقش هدایتی و پشتیبانی تلویزیون در سیاست هسته‌ای		متغیر وابسته		متغیرهای مستقل
آزمون تای کندال	آزمون کای اسکویر	میزان خطا	ضریب	
P<0/05	۰/۲۳	P<0/05	۱۲/۱۰	نفوذ بر سیاستمداران
P<0/05	۰/۴۹	P<0/05	۵۳/۹۵	پوشش زنده اخبار هسته‌ای تلویزیون
P<0/05	۰/۳۸	P<0/05	۳۹/۹۸	سرعت انتقال اخبار سیاسی
P<0/05	۰/۳۳	P<0/05	۲۰/۴۸	ورود بازیگران سیاسی جدید
P<0/05	۰/۵۱	P<0/05	۴۸/۵۸	نوع تصویرسازی تلویزیون از برنامه‌های هسته‌ای
P<0/05	۰/۳۷	P<0/05	۳۵/۷۸	مدیریت اخبار هسته‌ای و تعامل تلویزیون با سیاستمداران

۲-۷. تحلیل چندمتغیره

در تحلیل دومتغیره صرفاً به معنی‌داری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته اشاره شده است و تأیید رابطه میان متغیرهای تحقیق، بیانگر میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته نیست. به همین دلیل، تبیین الگوی تحقیق باید از تحلیل رگرسیون^۱ و آزمون چند متغیره F در جهت نیکویی مدل و میزان تأثیرگذاری متغیرها استفاده کرد. همچنین برای تحلیل شکل ساختاری مدل تحقیق، محاسبه لیزرل نیز انجام می‌گیرد. نتایج محاسبه رگرسونی و ضرایب بتا نشان می‌دهند که از

۱. در تحلیل رگرسیون از روش قدم‌به‌قدم استفاده می‌شود.

بین شاخص‌های تحقیق فقط ضرایب بتای شش شاخص (مدل ۶) تلویزیون ایران که به ترتیب از نظر میزان تأثیرگذاری عبارتند از پوشش زنده اخبار هسته‌ای در تلویزیون ایران، ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تکنیک‌های پخش اخبار هسته‌ای، ارسال پیام‌های سیاسی به سایر کشورها، شتاب‌دهی به روند مذاکرات هسته‌ای و مدیریت اخبار هسته‌ای ایران توانسته است بر متغیر وابسته تحقیق، یعنی نقش هدایتی و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران مؤثر باشد. همچنین مدل ساختاری تحلیل لیزرل نیز مؤید همین واقعیت است.

جدول شماره ۴. ضرایب استاندارد بتا (β)

Model	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	.Sig	
	B	Std. Error	Beta			
۱	(گام اول)	۱۱.۳۱۴	۱.۴۶۵		۷.۷۲۴	۰۰۰.
	پوشش اخبار	۴۷۵.	۰۴۷.	۶۵۳.	۱۰.۱۶۶	۰۰۰.
۲	(گام دوم)	۹.۳۲۳	۱.۳۳۵		۶.۹۸۵	۰۰۰.
	پوشش اخبار	۳۷۹.	۰۴۴.	۵۲۱.	۸.۵۹۰	۰۰۰.
	ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌ها	۴۱۹.	۰۶۷.	۳۸۱.	۶.۲۷۹	۰۰۰.
۳	(گام سوم)	۸.۱۳۶	۱.۲۸۶		۶.۳۲۵	۰۰۰.
	پوشش اخبار	۳۲۶.	۰۴۳.	۴۴۹.	۷.۵۴۱	۰۰۰.
	ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌ها	۳۸۴.	۰۶۳.	۳۴۹.	۶.۰۵۸	۰۰۰.
	تکنیک‌های پخش	۲۴۳.	۰۵۶.	۲۴۸.	۴.۳۱۹	۰۰۰.
۴	(گام چهارم)	۷.۵۱۳	۱.۲۴۱		۶.۰۵۶	۰۰۰.
	پوشش اخبار	۳۰۵.	۰۴۲.	۴۲۰.	۷.۳۱۳	۰۰۰.
	ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌ها	۲۸۳.	۰۶۶.	۲۵۸.	۴.۲۸۲	۰۰۰.
	تکنیک‌های پخش	۲۴۴.	۰۵۴.	۲۴۸.	۴.۵۲۵	۰۰۰.
	ارسال پیام‌های سیاسی	۲۹۴.	۰۷۹.	۲۱۸.	۳.۷۴۴	۰۰۰.
۵	(گام پنجم)	۶.۷۸۹	۱.۱۹۳		۵.۶۹۳	۰۰۰.
	پوشش اخبار	۲۸۳.	۰۴۰.	۳۸۹.	۷.۰۶۱	۰۰۰.
	ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌ها	۳۰۷.	۰۶۳.	۲۷۹.	۴.۸۶۱	۰۰۰.
	تکنیک‌های پخش	۲۶۶.	۰۵۱.	۲۷۱.	۵.۱۶۸	۰۰۰.
	ارسال پیام‌های سیاسی	۷۹۱.	۱۴۶.	۵۸۷.	۵.۴۲۱	۰۰۰.
	شتاب‌دهی به روند مذاکرات	۶۱۰.-	۱۵۴.	۴۲۱.-	۳.۹۶۲-	۰۰۰.
۶	(گام ششم)	۷.۵۰۷	۱.۱۶۷		۶.۴۳۱	۰۰۰.
	پوشش زنده اخبار	۲۴۷.	۰۴۰.	۳۴۰.	۶.۱۹۴	۰۰۰.

Model	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	.Sig
	B	Std. Error	Beta		
ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌ها	۳۰۹.	۰۶۱.	۲۸۱.	۵۰۰۸۴	۰۰۰.
تکنیک‌های پخش	۴۲۲.	۰۶۷.	۴۲۹.	۶۰۲۵۷	۰۰۰.
ارسال پیام‌های سیاسی	۷۷۲.	۱۴۱.	۵۷۳.	۵۰۴۹۱	۰۰۰.
شتاب‌دهی به روند مذاکرات	۶۰۹.-	۱۴۸.	۴۲۱.-	۴۰۱۱۰-	۰۰۰.
مدیریت اخبار هسته‌ای	۲۲۲.-	۰۶۵.	۲۱۹.-	۳۰۴۰۹-	۰۰۱.

متغیر وابسته: نقش پشتیبانی و هدایتی تلویزیون ایران در سیاست هسته‌ای

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داده است که تلویزیون به عنوان عامل میانجی‌گر و پشتیبان سیاست خارجی نقش مهمی در سیاست هسته‌ای ایران دارد و می‌تواند نقش کاتالیزور را در سیاست هسته‌ای ایران ایفا کند. تلویزیون با پوشش اخبار، برجسته‌سازی برخی اخبار هسته‌ای و سخن‌پراکنی بین‌المللی، قدرت و توانایی سیاستمداران هسته‌ای ایران را در دستیابی به نتایج مطلوب در فرایند مذاکرات افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تلویزیون ایران از تمام توانایی‌های خود در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای استفاده نمی‌کند و این موضوع خلأهای زیادی را در چرخه سیاست هسته‌ای و استفاده درست از تلویزیون در ارسال اخبار پیام‌های هسته‌ای، دیپلماسی عمومی، رقابت با سایر شبکه‌های تلویزیونی جهانی، جلب افکار عمومی و نفوذ بر سیاستمداران به وجود آورده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران تلویزیون ایران توجه کمی به عناصر و تکنیک‌های تلویزیون در عصر جهانی شدن دارند. مدیران بخش سیاسی تلویزیون ایران باید به پنج ویژگی پوشش خبری تلویزیون جهانی که عبارتند از: ۱. سخن‌پراکنی بیست و چهار ساعته؛ ۲. پخش لحظه‌به‌لحظه اخبار؛ ۳. پوشش خبری در سراسر جهان؛ ۴. سلطه خبری بالا؛ ۵. زنده بودن اخبار جهانی؛ توجه ویژه‌ای داشته باشند. از طرفی دیگر، با ظهور شبکه‌های بین‌المللی پخش اخبار و سخن‌پراکنی (که همواره در اختیار کشورهای امپریالیستی است) جنگ نرم را در بستر ارتباطات بین‌المللی به وجود آورده‌اند و پوشش رسانه‌ای این شبکه‌ها از وقایع بین‌المللی، ظهور بازیگر

جدید سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل را نوید می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تلویزیون ایران توجه کمی به دیپلماسی عمومی و داخلی و متقاعدسازی افکار عمومی داشته است و این مهم موجب شده است که احساس یاری افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی از فعالیت‌های هسته‌ای کم و خیلی کم باشد و مردم به دلیل سرعت کم انتقال اخبار داخلی به اخبار سایر شبکه‌های خبری بین‌المللی گرایش پیدا کنند و تحت تأثیر عملیات روانی آنها قرار بگیرند. اگرچه بر اساس دیدگاه کارشناسان، نقش تلویزیون اغلب در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای در حد متوسط ارزیابی شده است. با این وجود باید به نقاط مثبت نقش تلویزیون ایران در پشتیبانی از سیاست هسته‌ای اشاره کرد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تلویزیون ایران با پوشش زنده اخبار هسته‌ای، ارائه تصویر صلح‌آمیز از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تکنیک‌های پخش اخبار هسته‌ای، ارسال پیام‌های سیاسی به سایر کشورها، شتاب‌دهی به روند مذاکرات هسته‌ای و مدیریت اخبار هسته‌ای ایران توانسته است بر متغیر وابسته تحقیق، یعنی نقش هدایتی و پشتیبانی سیاست هسته‌ای ایران مؤثر باشد.

در شرایط فعلی، پشتیبانی تلویزیون از سیاست هسته‌ای ایران بی‌بهره از مبانی نظری رابطه است. تلویزیون ایران فقط در پی پوشش اخبار هسته‌ای و ارسال پیام‌های سیاسی است، اما باید به این نکته توجه کرد که بر اساس نظریه‌های مدیریت اخبار و CNN تلویزیون نقش‌های متعدد دیگری نیز در سیاست خارجی یک کشور بر عهده دارد که عبارتند از:

- نقش بازدارندگی سیاستمداران از تصمیمات عجولانه و غیرمنطقی که برخلاف خواست عمومی و منافع یک کشور است؛
- نقش شتاب بخشیدن و روان‌سازی سیاست هسته‌ای بر اساس انتقال سریع اخبار و جلب حمایت افکار عمومی از سیاست هسته‌ای؛
- تلویزیون نه تنها اطلاع‌دهنده، تفسیرکننده، حمایت‌کننده و منتقد سیاست خارجی است، بلکه ابزاری مهم در پیوند دادن مقامات رسمی سیاست خارجی و مردمی و پیگیر رویدادهای خارجی نیز است؛
- تلویزیون نقشی مهم در وادار کردن سیاستمداران به پاسخ‌گویی به افکار

عمومی و توجه به بحران‌های سیاسی بر عهده دارد؛ بنابراین، پوشش خبری بحران با اجبار رهبران سیاسی برای تغییر وضعیت یا خطرکردن توأم با بدنامی، فریادی احساسی را از جانب مردم برای «انجام کاری» در مورد رویداد اخیر برمی‌انگیزاند؛

□ همچنین تلویزیون ایران باید با افزایش بازیگران جدید در عرصه سیاست خارجی، روند چرخه سیاست خارجی را تسریع کند؛
□ تلویزیون به عنوان منبع اطلاعاتی سریع و مفید بر تصمیمات سیاسی تأثیر می‌گذارد؛

□ تلویزیون به عنوان ابزار برجسته‌سازی اخبار و رویدادهای سیاسی بر اولویت‌های هر کشور و ملل دیگر تأثیر می‌گذارد؛
□ تلویزیون به عنوان وکیل و نماینده دیپلمات‌ها عمل می‌کند؛
□ تلویزیون به عنوان نظام نمادی و نشانه‌گذار دیپلماتیک با تأثیرگذاری سیاسی عمل می‌کند؛

□ همچنین تلویزیون می‌تواند بحران و فاجعه را همچون اطلاعات جاری در معرض دید مردم قرار دهد و با نیازآفرینی و در عین حال فشردگی زمان، مردم را وادار کند که به طور دائم در فکر راه‌حلی برای خروج از بحران یا فاجعه باشند؛
□ تلویزیون می‌تواند با تصویرسازی همه‌جانبه از یک واقعه سیاسی و ارتباط آن با هویت ملی و خواست عمومی، بر افکار عمومی داخلی و سایر ملل تأثیر بگذارد و به عنوان پشتیبان سیاستمداران، نقش‌آفرینی کند؛

□ از طرف دیگر تلویزیون نقشی تحکمی و بانفوذ در القای یک سیاست خارجی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و هدایت توده‌ها در حمایت یا مخالفت با سیاست خارجی و مجرای دیپلماسی برای گرفتن اجازه از مردم در اجرای یک تصمیم سیاسی دارد؛

□ درنهایت تلویزیون در بررسی آخرین نقش تلویزیون در سیاست خارجی دیپلماسی، رابطه‌ای تنگاتنگ با دیپلماسی عمومی دارد و در این عرصه، تلویزیون به عنوان ابزار تبلیغات بین‌المللی و جنگ نرم در عرصه ارتباطات بین‌المللی عمل می‌کند. این روش بیشتر در زمان‌هایی کاربرد دارد که سیاست خارجی درگیر بحرانی ویژه در سطح بین‌المللی است، زمان موجود برای سیاست‌گذاری کم است

و نیاز به پاسخ‌دهی سریع و بلافاصله به بحران‌ها و رویدادها ایجاب می‌کند که با ساده‌سازی و دستکاری‌های سیاسی از طریق پخش برنامه‌های تلویزیونی، قضاوت‌های فوری و سریع در خصوص یک برنامه صورت گیرد. این نظریه را باید در قالب نظریه‌های دیپلماسی عمومی تلویزیون و نقش جهانی آن در نظر گرفت؛ بنابراین بر اساس پیشنهادهای نظری بالا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند که برگرفته از یافته‌های تحقیق هستند. این پیشنهادهای عبارتند از:

□ زمان اختصاص یافته به برنامه‌ها، اخبار و مطالب هسته‌ای در تلویزیون افزایش یابد؛

□ هم‌زمانی پوشش اخبار هسته‌ای با رویدادهای داخلی و خارجی در تلویزیون ایران افزایش یابد؛

□ میزان سرعت انتقال اخبار هسته‌ای برای مخاطبان در تلویزیون ایران افزایش یابد؛

□ میزان پوشش خبری تلویزیون در جلب توجه مردم ایران به اخبار هسته‌ای افزایش یابد؛

□ میزان پوشش خبری تلویزیون در افزایش آگاهی مردم از فعالیت‌های هسته‌ای افزایش یابد؛

□ تلویزیون ایران تلاش کند که با بسترسازی مناسب، واکنش و داوری افکار عمومی را نسبت به عملکرد سیاستمداران در موضوع هسته‌ای افزایش دهد؛

□ تلویزیون ایران باید تلاش کند که در به‌تصویرکشیدن جهت‌گیری افکار عمومی در موضوع هسته‌ای نقش فعال‌تری داشته باشد؛

□ تلویزیون ایران کوشش کند که افکار عمومی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را نسبت به موضوع هسته‌ای ایران با یکدیگر همسو کند؛

□ تلویزیون ایران تلاش کند که حمایت سازمان‌های بین‌المللی را از برنامه‌های هسته‌ای ایران جلب کند؛

□ تلویزیون ایران تلاش کند که با شکل‌گیری وجدان جمعی مشترک در سطح داخلی و بین‌المللی، حمایت آنان را از برنامه‌های هسته‌ای ایران افزایش دهد؛

□ تلویزیون ایران تلاش کند که احساس یاری افکار عمومی منطقه‌ای و

- بین‌المللی از فعالیت‌های هسته‌ای را افزایش دهد؛
- تلویزیون ایران تلاش کند که با ایجاد فضای مناسب و حمایت از خبرنگاران داخلی و خارجی در جهت ارائه گزارش‌ها و انعکاس فعالیت‌های هسته‌ای، صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را انعکاس دهد؛
 - تلویزیون ایران میزان سرعت پوشش آنی و به طور هم‌زمان اخبار هسته‌ای را افزایش دهد؛
 - تلویزیون ایران اخبار هسته‌ای را در سرخط رویدادهای خبری قرار دهد؛
 - میزان متقاعدسازی افکار عمومی داخلی نسبت به تصمیم‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران از سوی سیاستمداران هسته‌ای افزایش یابد.
- در خصوص نقش تلویزیون ایران در نفوذ بر سیاستمداران هسته‌ای پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:
- تلویزیون ایران تلاش کند که با تصویرسازی مناسب و پوشش خبری جهانی از اخبار هسته‌ای ایران ضمن جلب حمایت افکار عمومی بین‌المللی از برنامه‌های هسته‌ای ایران به عنوان حقوق هسته‌ای ملت ایران، آنان را وادار کند که بر تصمیمات سیاستمداران خود که در شورای حکام آژانس هسته‌ای و گروه ۵+۱ عضویت دارند، تأثیر بگذارند؛
 - تلویزیون ایران تلاش کند که با تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی داخلی و انعکاس نظرات آنان بر تصمیمات سیاستمداران هسته‌ای ایران تأثیر بگذارند؛
 - تلویزیون ایران تلاش کند که بر تصمیمات سیاستمداران داخلی در موضوع هسته‌ای تأثیر بگذارد.
- در خصوص نقش تلویزیون ایران در ارسال پیام‌های هسته‌ای و شتاب دادن به چرخه سیاست هسته‌ای پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:
- میزان پوشش خبری تلویزیون ایران در هدایت و پشتیبانی و بازدارندگی سیاستمداران در تصمیمات هسته‌ای افزایش یابد؛
 - تلویزیون ایران تلاش کند با ارسال پیام‌های هسته‌ای به کشورهایی که با ایران روابط دیپلماتیک ندارند، نقش دیپلماسی رسانه‌ای خود را افزایش دهد؛
 - تلویزیون ایران تلاش کند که مدت زمان پاسخ‌گویی سیاستمداران ایرانی به

تصمیمات و پیام‌های سیاسی سایر کشورها را کاهش دهد؛

□ تلویزیون ایران تلاش کند که با شتاب بخشیدن به فرایند مذاکرات هسته‌ای، زمان تصمیم‌گیری سیاستمداران را در واکنش به موضوع هسته‌ای کاهش دهد.

○ در خصوص نقش تلویزیون ایران در تصویرسازی از برنامه‌های هسته‌ای ایران، باید گفت احترامی که یک ملت در جامعه جهانی از آن بهره‌مند می‌شوند و نقشی که یک ملت در ارتباط با روابط بین‌المللی معاصر بازی می‌کنند، تحت تأثیر هویت ملی و تصویر بین‌المللی از یک ملت است. رسانه ملی و بین‌المللی نقش مهمی را در تعریف هویت ملی و تصویر بین‌المللی از یک ملت بازی می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که تلویزیون ایران تلاش بیشتری در هویت‌سازی بین‌المللی از ایران و تصویرسازی صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طریق تولید فیلم و برنامه‌های مستند انجام دهد.

○ از طرف دیگر، باید توجه داشت که تلویزیون قبل از هر اجرای برنامه سیاسی در حوزه سیاست هسته‌ای ایران، باید افکار عمومی داخلی و بین‌المللی را آماده پذیرش اقدامات انجام‌شده کند و در این رابطه با استفاده از تکنیک‌های پخش و پوشش خبری وسیع تلویزیون افکار عمومی، جامعه رقیب را برای فشار بر سیاستمداران جلب کند.

کتابنامه

- اسمیت، آنتونی؛ پاترسون، ریچارد (۱۳۸۱). *تلویزیون در جهان*، مترجم: مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- بیر یوکف، ن.س. (۱۳۷۲). *تلویزیون و دکنترین‌های آن در غرب*، مترجم: محمد حفاظتی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸). *دیپلماسی نوین، جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- تیرل، رابرت (۱۳۷۱). *ژورنالیست تلویزیونی*، مترجم: مهدی رحیمیان، تهران: سروش.
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۵). *تلویزیون و گستره عمومی*، مترجم: مهدی شفقتی، تهران: سروش.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۸). «نقش تلویزیون جهانی در دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی»، *فصلنامه افق*، شماره ۶۷، اداره‌کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی سازمان صداوسیما.
- _____ (۱۳۸۷). «بازی‌های زبانی در گفت‌وگوهای هسته‌ای گروه ۵+۱ با ایران: بررسی استراتژی بازی زبانی غرب با ایران در مذاکرات هسته‌ای»، تهران: *فصلنامه رسانه*.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷). *چهارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- _____ (۱۳۸۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- سمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵). *عصر CNN و هالیوود*، مترجم: نرجس خاتون براهویی، تهران: نی.
- شانکلمن، لوسی (۱۳۸۷). *مدیریت سازمان‌های رسانه‌ای در CNN و BBC*، مترجم: دکتر ناصر بلیغ، تهران: طرح آینده.
- ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، سید محمدکاظم (۱۳۸۷). *دیپلماسی چندجانبه: «نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی»*، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، جلد اول.
- _____ (۱۳۸۷). *دیپلماسی چندجانبه: «نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی»*، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، جلد دوم.
- گیلبوا، ایتان (۱۳۸۸). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، مترجم: دکتر حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۶). *پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد*، تهران: معاونت حقوقی وزارت امور خارجه.

_____ (۱۳۸۷). *نهضت ملی هسته‌ای*، تهران: معاونت حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. محمدی، علی (۱۳۸۷). «تقریرات درس ارتباطات و روابط بین‌الملل»، دوره دکتری، دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.

_____ (۱۳۸۷). *جهانی‌شدن و استعمار دوباره: مورد شناسی کشورهای اسلامی در قرن بیست و یکم*، تهران: نی.

ملکی، عباس (۱۳۸۱). *مقالاتی درباره روابط بین‌الملل*، تهران: وزارت امور خارجه. مولانا، حمید (۱۳۸۴). *اطلاعات و ارتباطات جهانی*، مرزهای نو در روابط بین‌الملل، مترجم: آزاد حسن‌زاده اخوتی، تهران: کتابدار.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: دادگستر.

_____ (۱۳۸۴). *ارتباطات جهانی در حال گذار*، تهران: سروش.

_____ (۱۳۸۷). *اطلاعات عالمگیر و ارتباطات جهانی*، مترجم: محمدحسین برجیان، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره الشریف).

Cohen, B.C. (1963), *The press and foreign policy*, Princeton University Press.

Dayan, D; Katz, E (1992), *Media Event: The live Broadcasting of History*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Gilboa, Eytan (2002), *The Global News Networks and U.S. policymaking In Defend and Foreign Affairs*, sage Pub, pp. 6.

_____ (2008), *Searching for a Theory of Public Diplomacy*, sage Pub, pp. 59-61.

_____ (2002), "Glibal Communication And Foreign Policy", *pub Journal Of Communication*, December 2002.

_____ (2005), "The CNN Effect: The Search for a Communication Theory of International Relation", *pub Journal Of Political Communication*, Political Communication, Routledge, pp. 27-44.

Graber, Doris A. (2005), "Political communication Faces the 21st Century", *journal of International communication Association*, p 479.

Harmon, Matthew T. (1999), "The Media, Technology And United States Foreign Policy: A Re-Examination Of The Cnn Effect", *Journal Of International Relations*.

Larson, James. F. (1986), "Quiet Diplomacy in a Television Era: The Media and U.S. Policy toward The Republic of Korea", *School of Communications DS-40*

- University of Washington publication.
- _____ F. (1988), *Global Television And Foreign Policy*, New York, p. 4.
- Livingston S; Bennett W. Lonce (2003), "Gatekeeping Indexing And Live Event News: Is Technology Altering the Construction Of News", *journal of Political communication*, vol. 20, NO 4, pp. 363-380.
- _____ (1997), *Beyond the "CNN effect": the media - foreign policy dynamic*. in p. Norris (ED), *politics and the press*, pp. 291-318.
- _____ (2003), *Diplomacy in the new information environment*, university of Washington.
- Lippmann, W. (1931), "The press and Public Opinion", *Political Science*, Vol. XLVI, NO 2, pp. 161-170.
- Louw, P. Eric (2005), *The Media and Political Process*, pub SAGE, p. 254.
- Matthew, T. Harmon (1999), "the media, technology and united states foreign policy: a re-examination of the cnn effect", pub Swords & Ploughshares, *A Journal of International Relations*.
- Naveh, Chanan (2002), *The Role of the Media in Foreign Policy Decision-Making: A Theoretical Framework*, verlag irena regener berlin.
- Neuman, J. (1996), *Lights, camera, war: is media technology driving international politics?*, New York: martin press.
- Oheffernan, Patrick (1991), *Mass Media and American Foreign Policy*, Ablex Publication.
- Tailor, Pilip. M. (1997), *Global Communication, International Affairs And The Media Since 1945*, pub. Routledge. P. 72.